

مطالعه تطبیقی حضور زن در قوه مقننه: تحولات قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران

حسین مسعودنیا^۱، مینا نظری^{۲*}، نجات محمدی^۳

چکیده

از جمله تغییر و تحولاتی که در دهه‌های اخیر در حوزه سیاسی و اجتماعی در ایران به وجود آمد، تغییر در میزان حضور و مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان بوده است و انتظار می‌رود با افزایش توانمندی‌ها و ارتقای سطح تحصیلات زنان و افزایش تعاملات در سطح بین‌الملل، حضور زنان در حوزه قدرت سیاسی-اجتماعی، به‌ویژه در قوه مقننه، دوچندان شود. این پژوهش با تأکید بر اهمیت مشارکت سیاسی زنان در توسعه و پیشرفت کشور، با رویکردی مقایسه‌ای-تحلیلی درصدد ارزیابی میزان مشارکت و حضور زنان در قوه مقننه از قبل تا بعد از انقلاب اسلامی بوده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد مشارکت سیاسی زنان از دوران پهلوی تا انقلاب اسلامی ایران شاهد فرازونشیب‌هایی بوده است و به‌رغم پیشرفت‌های علمی و کسب تجارب سیاسی-اجتماعی زنان، هنوز تا بهره‌مندی مناسب از توانمندی آن‌ها در ساختار مدیریتی کشور فاصله وجود دارد و به نظر می‌رسد مشارکت آن‌ها در این سطح، نیازمند ایجاد انگیزه و برطرف کردن موانع پیش روست.

کلیدواژگان

انقلاب اسلامی، زنان، شورای نگهبان، مجلس سنا، مجلس شورای اسلامی، مجلس شورای ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مشارکت سیاسی.

hmass2005@yahoo.com
mina_nazari90@yahoo.com
nmohammadifar@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۹

مقدمه

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ و برپایی مجلس شورای ملی، به‌رغم تلاش و مجاهدت‌های زنان در رویدادهای انقلاب مشروطه، آن‌ها از حق مشارکت سیاسی و حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن محروم ماندند. با وجود چنین شرایطی، زنان کماکان با استقبال از رویدادهایی که منافع ملی را تأمین می‌کرد به مشارکت و فعالیت‌های خود ادامه دادند.

با آغاز سلسلهٔ پهلوی، مشارکت سیاسی زنان موجی از تحول را مشاهده کرد. واقعهٔ کشف حجاب رضاخانی و قیام خونین مردم علیه این اقدام ضد دین در ۱۷ دی ۱۳۱۳ به کشته و مجروح شدن عدهٔ کثیری از مردم و حبس و زندانی‌شدن بسیاری از زنان مسلمان منجر شد که در نهایت با تبعید وی تا حدی کاهش پیدا کرد. قدرت محمدرضا پهلوی با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ترس از گسترش ایده‌ها و اندیشه‌های چپ افزایش یافت تا وی همانند پدر به گسترش برنامه‌های غربی در کشور بپردازد. از جمله تلاش وی برای اعطای حق رأی به زنان در پی لایحهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی که با هوشیاری روحانیت و علمای دینی کنار نهاده شد، اما در نهایت با طرح انقلاب سفید دوباره در دستور کار دولت وقت قرار گرفت و در نهایت در سال ۱۳۴۳ به زنان حق مشارکت و حضور در عرصهٔ قدرت داده شد.

بیگانه‌بودن سیاست‌های اجرایی دولت محمدرضا پهلوی با آموزه‌های اسلامی و دینی و الگوبرداری از اندیشه‌های غربی بدون توجه به نیازهای کشور در نهایت انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را به رهبری امام خمینی^(ع) شکل داد. با پیروزی انقلاب اسلامی، تحولی عظیم در مشارکت سیاسی زنان شکل گرفت. پیرو این تحول مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری نه‌تنها به‌منزلهٔ یک حق بنیادی، بلکه به‌منزلهٔ تکلیفی اسلامی برای زنان به رسمیت شناخته شد. متناسب با این تکلیف اسلامی زنان توانستند علاوه بر مشارکت اولیه، یعنی برخورداری از حق رأی، در سایر سطوح مشارکت مانند حضور در قوهٔ مقننه نیز فعال باشند. تأکید بر قوهٔ مقننه به‌منزلهٔ مؤلفهٔ مهم در دمکراسی منجر شد تا در این پژوهش مشارکت و حضور زنان در قوهٔ مقننه در تحولات قبل و بعد از انقلاب با رویکردی مقایسه‌ای-تحلیلی بررسی شود و نوشتار حاضر در مقام پاسخگویی به این سؤال باشد که زنان در تحولات قبل و بعد از انقلاب تا چه اندازه در این نهاد مهم قانونگذاری حضور داشته‌اند؟ برای پاسخگویی به این سؤال بعد از ارائهٔ مفاهیم اولیه دربارهٔ مشارکت سیاسی، میزان مشارکت زنان در ساختار قوهٔ مقننه قبل از انقلاب اسلامی، که متشکل از مجلس شورای ملی و مجلس سناست، ارزیابی و سپس میزان مشارکت زنان را در ساختار قوهٔ مقننه در جمهوری اسلامی ایران، که متشکل است از سه نهاد مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، و مجمع تشخیص مصلحت نظام، بررسی می‌شود.

ادبیات پژوهش

الف) مفهوم مشارکت سیاسی

مشارکت از لحاظ لغوی به معنای شرکت داشتن یا درگیر بودن است. می‌توان گفت مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه، و بدون تعصب است که در جهت معنادادن به عمل و حرکت اجتماعی شکل می‌گیرد و با شرکت دادن اشخاص در فعالیت‌های گروهی تحقق می‌یابد [۲۰].

مشارکت ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترین آن مشارکت سیاسی است. از مشارکت سیاسی تعاریف متعددی ارائه شده است؛ مثلاً، پای^۱ مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند:

هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی اعم از محلی و ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی به کار رود [۱۴].

در سطحی فراتر، مشارکت سیاسی^۲ مفهوم عام و جامع‌تری دارد؛ مثلاً، راش^۳ مشارکت سیاسی را «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی» دانسته است [۲۱].

مشارکت سیاسی شامل همه فعالیت‌های شهروندان است که در پی نفوذ یا حمایت حکومت و سیاست‌اند؛ فعالیت‌هایی شامل انتخاب پرسنل حکومتی یا اعمالی که انجام می‌دهند. رابرتسون^۴ نیز مشارکت سیاسی را با دموکراسی همسو و آن را در امکان و گسترش به‌کارگیری کنش‌های سیاسی جست‌وجو می‌کند. مشارکت سیاسی معمولاً به دامنه دسترسی شهروندان به حقوق دموکراتیک معمول در فعالیت سیاسی که قانوناً استحقاق آن را دارند، اطلاق می‌شود [۲۲].

آنچه در این مقاله به‌منزله تعریف محوری از مشارکت سیاسی در نظر گرفته شده است تعریفی است که راش ارائه می‌دهد، زیرا به نظر می‌رسد این تعریف همه ابعاد و شاخصه‌های مشارکت سیاسی را دربرمی‌گیرد و تعریفی است که اکثر پژوهشگران درباره آن اتفاق نظر دارند و به آن استناد می‌کنند.

ب) سطوح مشارکت سیاسی

شاخص‌های متعددی را می‌توان برای سنجش مشارکت سیاسی ارائه داد؛ مثلاً، تاج‌زاده به مواردی نظیر رأی‌دادن، در جست‌وجوی اطلاعات، بحث‌کردن و پذیرش مرامی جدید، شرکت

1. Pye
2. political participation
3. Rash
4. Robertson

در میتینگ‌ها، کمک مالی به احزاب یا فعالان سیاسی، و ارتباط داشتن با نمایندگان و همچنین نام‌نویسی رسمی در یک حزب، فعالیت برای جمع‌آوری آرا و ثبت نام رأی‌دهندگان، مقاله‌نویسی و سخنرانی، و رقابت برای مقام‌های حزبی و دولتی اشاره کرده است [۱۵].

لستر میلبراث^۱ در کتاب *مشارکت سیاسی*، سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را مطرح کرده است؛ از جمله خواندن یا شنیدن اخبار سیاسی و گوش دادن یا شرکت در مباحث سیاسی، شرکت در انتخابات و مبارزات سیاسی، تلاش برای کسب قدرت سیاسی و مناصب حکومتی و تظاهرات و اعتراضات سیاسی [۲۴].

راش پیرو تعریفی که از مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد، رأی‌دادن در انتخابات را پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی و داشتن مقامات رسمی را بالاترین سطح از مشارکت سیاسی ارزیابی می‌کند و سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را ارائه می‌دهد. البته ممکن است اهمیت سطوح مختلف برای نظام‌های گوناگون متفاوت باشد. این رتبه‌بندی از بالا به پایین به ترتیب زیر است:

- داشتن مقام سیاسی یا اجرایی؛
- جست‌وجوی مقام سیاسی یا اجرایی؛
- عضویت فعال در یک سازمان سیاسی؛
- عضویت فعال در یک سازمان شبه‌سیاسی؛
- مشارکت در اجتماعات عمومی؛
- تظاهرات و...؛
- عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی؛
- عضویت انفعالی در یک سازمان شبه‌سیاسی؛
- مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی؛
- اندکی علاقه به سیاست؛
- رأی‌دادن؛
- عدم درگیری در سیاست [۲۲، ص ۱۲۶].

در این مقاله، تقسیم‌بندی راش محور توجه قرار داده شده و تلاش شده تا مشارکت سیاسی زنان در سطح داشتن مقام سیاسی یا اجرایی با تأکید بر حضور در قوه مقننه در تحولات قبل و بعد از انقلاب ارزیابی شود.

مشارکت سیاسی زنان در تحولات قبل از انقلاب اسلامی ایران

ساختار قوه مقننه در تحولات قبل از انقلاب اسلامی ایران

حاکمیت سیاسی قاجاریه در تاریخ ایران آغاز دوران جدیدی بود که با مشخصه‌های خاص خود از سایر ادوار سیاسی مجزا می‌شود. با وجود این، ساختار سیاسی حاکم در این دوره همانند

1. Milbrath

دوره صفویه ساختار استبدادی بود. نظام حکومتی ایران تا سال ۱۹۰۶ (۱۲۸۵) سلطنت از نوع استبدادی بود. در این نظام، پادشاه حکومت می‌کرد و مردم در تعیین خط‌مشی سیاسی حکومت نقشی نداشتند. در سال‌های آخر سلطنت ناصرالدین شاه، با توجه به زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی به وجود آمده، مردم ابتدا به صورت پراکنده و سپس در حرکت‌های سازمان‌یافته به شیوه حکومتی شاه و درباریان اعتراض کردند. اقشار و طبقات مختلف تلاش کردند با بهره‌گیری از روش‌های سنتی، بست‌نشینی، مهاجرت، و راهپیمایی خواسته‌های خود را به اطلاع دولت برسانند [۴، ص ۱۹۸]. بر اثر اتحاد و کوشش‌های نیروهای مخالف، فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادر و مجلس شورای ملی تأسیس شد [۲۳]. در کنار مجلس شورای ملی، که به تدوین قانون اساسی پرداخت، مجلس سنا براساس قانون اساسی مشروطیت ایران، یکی از دو مجلس قانونگذاری ایران بود که از آغاز مشروطیت تا سال ۱۳۲۸ خورشیدی تشکیل نشد، اما از آن سال به بعد در هفت دوره منعقد شد و در فرایند قانونگذاری به ایفای نقش پرداخت. میزان حضور زنان در این دو مجلس سوآلی است که در مباحث آتی به آن پرداخته خواهد شد.

مشارکت سیاسی زنان در قوه مقننه در تحولات قبل از انقلاب اسلامی

از پیروزی انقلاب مشروطه تا وقوع انقلاب اسلامی ایران، ۲۴ دوره مجلس شورای ملی تشکیل شد. از این ۲۴ دوره ۵ دوره در زمان سلطنت قاجار به (۱۲۸۵-۱۳۰۴)، ۷ دوره در زمان سلطنت پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، و ۱۲ دوره در زمان سلطنت پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تشکیل شد [۲۴، ص ۱۷۳].

وضعیت زنان در ایران عهد قاجار همانند عهد صفوی بود. نظام فئودالی و عرف جامعه انزوای زنان را به گونه‌ای تشدید کرده بود که در کلیه سطوح اجتماعی، سیاسی، و... جامعه جز حضور مردان را شاهد نیست. با این اوصاف، وقایعی که در سطح جهان به وقوع پیوست به تدریج این انزوا را کم‌رنگ کرد و شکل‌گیری مدارس دخترانه و حضور زنان در وقایعی مثل قرارداد رژی، نهضت مشروطه، انجمن‌های سیاسی سری را سبب شد. در همین دوران، یکی از حوادث مهم، که زمینه حضور زنان را فراهم کرد، واقعه تنباکو بود. تهدید میرزای آشتیانی برای ترک کشور یا کشتیدن قلیان در مکان‌های عمومی توسط شاه و حمایت هزاران تن از زنان و تلاش برای بستن بازار نمونه کوچکی از مشارکت بانوان در حوادث تاریخی آن زمان است. مشارکت و حضور زنان در حادثه رژی فقط از آن بانوان پایتخت نبود. در تبریز، زنان به رهبری زنی به نام زینب‌پاشا در اعتراض به قرارداد رژی دوشادوش مردان به مبارزه برخاستند و حتی عده‌ای از زنان به زور اسلحه بازار تبریز را بستند [۲۱، ص ۱۵۹-۱۶۰]. در شیراز نیز مخالفت‌های جدی

صورت گرفت که گشوده شدن آتش نیروهای عشایری شیراز روی مخالفان به کشته شدن یک زن و دختر انجامید [۳۰، ص ۲۵۱].

محور تحولات اجتماعی ایران عصر قاجار، انقلاب توده‌ای ۱۲۸۵ شمسی بود که به انقلاب یا نهضت مشروطیت شناخته شده است. در این انقلاب نیز، زنان در طیف گسترده و چشمگیری به فعالیت پرداختند. حضور زنان در اغلب رویدادهای کلیدی مشروطیت، از جمله بست‌نشینی (۱۲۸۴-۱۲۸۵)، تظاهرات تبریز، که منجر به ابقای مشروطیت شد، و مقاومت آذر و دی ۱۲۹۰ ثبت شده است. فروش جواهرات به قصد ایجاد بانک ملی، ایراد سخنرانی‌های آتشین، حمایت از نمایندگان در برابر تهدیدات روسیه، و حتی جنگیدن در کنار داوطلبان مبارز از جمله فعالیت‌های آن‌ها به نفع مشروطه بود [۳۰، ص ۲۴۹-۲۵۹].

با پیروزی انقلاب مشروطیت، مظفرالدین شاه فرمان تشکیل مجلس شورای ملی را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادر کرد و روز ۹ دی قانون اساسی مشروطیت، که مجلس در پاییز همان سال تدوین کرده بود، به امضای شاه رسید [۳۰، ص ۲۷۰]. زنان به‌رغم همه مشارکت و حضوری که در فرایند پیروزی انقلاب مشروطه ایفا کردند، مطابق با ماده ۳ نظامنامه انتخابات مصوب ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ قانون مشروطه از داشتن مشارکت محروم شدند [۳۵، ص ۲۲۹-۲۴۶].

با وجود منع زنان از مشارکت، آن‌ها کماکان از رویدادهایی که به منافع ملی مربوط بود استقبال می‌کردند و به مشارکت و فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند. از مهم‌ترین فعالیت‌های زنان در اواخر دوره قاجار تا روی کار آمدن رضاشاه را می‌توان تشکیل مطبوعات زنانه دانست. روزنامه دانش، مجله مصور شکوفه، مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران، و... از نشریات مهم زنان در این دوره است [۱۳]. با تشکیل نشریات زنانه، برخی از زنان سرشناس به فکر تشکیل انجمن‌های زنانه افتادند که در این میان می‌توان از احترام اسکندری بنیانگذار اولین جمعیت زنانه در ایران با نام «انجمن نسوان وطن‌خواه» در سال ۱۳۰۱ یاد کرد [۸]. این انجمن‌ها در کنار نشریات به طرح مسائل مربوط به زنان می‌پرداختند و می‌توان آن‌ها را زمینه‌ساز کشف حجاب رضاخانی معرفی کرد.

در دوره پهلوی اول، با روی کار آمدن رضاشاه و دیدار وی در سال ۱۳۱۳ از ترکیه، در زندگی فردی و اجتماعی زنان مطابق با سبک زندگی غربی تغییراتی اتفاق افتاد [۳۰، ص ۱۷۹-۱۸۰]. در این دوره، که عصر رویارویی سنت و تجدد نامیده شده است، حساس‌ترین حرکت درباره زنان را می‌توان قانون کشف حجاب به تاریخ ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ دانست که به مخالفت علمای دینی و خانه‌نشین شدن بخش زیادی از زنان منجر شد و شاید اوج این درگیری را بتوان در قیام گوهرشاد مشاهده کرد که در جریان آن برخی از مخالفان این قانون کشته شدند. رژیم پهلوی برای اشاعه این سیاست و تحقیر نمادهای دینی و مذهبی در بین ایرانیان به بهره‌گیری از نظام آموزشی، کتب، و نشریات پرداخت. با وجود این، این سیاست

به دلیل ریشه‌های عمیق دینی و مذهبی در میان ایرانیان با مشکلات عدیده‌ای از جمله مخالفت مردم مواجه شد. در شهر مقدس قم، بانوان معلم متعهد، نظام آموزشی را به استعفای جمعی تهدید کردند. بسیاری از اهالی از ورود دختران خود به مدارس در ۱۷ دی، که روز آزادی زن و کشف حجاب نام گرفته بود، خودداری کردند. اعلاناتی نیز از جانب مردم علیه حجاب‌زدایی بر دیوارهای شهر نصب شد. کشف حجاب، که با شعار جلوگیری از عقب‌ماندگی و اعتلای ایران در دستور کار واقع شده بود، نه‌تنها به پیشرفت ایران منتهی نشد، بلکه منشأ بسیاری از بحران‌های اجتماعی در کشور نیز شد [۲۸، ص ۸۱۷].

علاوه بر این، زنان همچنان از بسیاری حقوق اولیه خود، همچون حق مشارکت، بی‌بهره ماندند و در طول هفت دوره مجلس شورای ملی، که در این دوره برگزار شد، همچنان از حق انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن محروم ماندند و همان راهی ادامه پیدا کرد که در دوره قاجار در پیش گرفته شده بود. با اشغال ایران از سوی متفقین، رضاشاه به اتهام حمایت از آلمان در جنگ جهانی دوم ابتدا به جزیره انگلیسی موریس و سپس به آفریقای جنوبی تبعید شد و کشور را به فرزند بیست‌ودوساله خود سپرد. محمدرضا، مانند پدرش، در ابتدا پایبندی خود به مذهب را اعلام کرد؛ چنان‌که به سفرهای زیارتی پرداخت و به آیت‌الله آقا حسین قمی، از مجتهدان بلندپایه نجف، اطمینان داد که با حجاب مبارزه نخواهد کرد. بر این اساس، زنان یا انجمن‌ها و گروه‌های مرتبط می‌توانستند خود درباره رعایت حجاب یا بی‌حجابی تصمیم‌گیری کنند. با وجود این، تهاجم ۱۳۲۰ در ایران دوره فترتی را آغاز کرد که سیزده سال به طول انجامید. این سال‌های فترت تا مردادماه ۱۳۳۲، پس از کودتایی با نقشه آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، ادامه پیدا کرد. با پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاه از قدرت به‌تازگی بازیافته‌اش برای ایجاد تغییرات اجتماعی بهره جست. وی کارش را با برنامه‌های کوچکی به منظور تکمیل اقدامات پدرش آغاز کرد. اما پس از سال ۱۳۴۲، با شروع انقلاب سفید، که با هدف جلوگیری از انقلاب سرخ از پایین طراحی شده بود، برنامه‌هایش را شتاب بخشید. مقدمات انقلاب سفید در سال ۱۹۶۱ با روی کار آمدن جان‌اف. کندی به‌عنوان ریاست جمهوری امریکا و طرح فضای باز سیاسی آغاز شد [۱].

به دنبال طرح فضای باز سیاسی، لایحه انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی مصوب مهرماه ۱۳۴۱ در دستور کار قرار گرفت که مطابق با این لایحه به زنان حق رأی داده شد. بر اثر فشارهای وارده، لایحه مذکور در جلسه هیئت دولت، در تاریخ ۸ آذر ۱۳۴۱، لغو شد، اما دیری نپایید که شاه اهداف خود را در برنامه‌ای موسوم به «انقلاب شاه و ملت»، که بعدها به «انقلاب سفید» مشهور شد، گنجانده و در اصل سوم این برنامه مطابق رویه کشورهای غربی اعطای حق رأی و وکالت مجلس به زنان داده شد. به این ترتیب، در سال ۱۳۴۳، با تصویب ماده واحده‌ای زنان ایرانی حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن به‌عنوان نماینده مجلس شورای ملی و مجلس سنا

را به دست آوردند [۳۵، ص ۲۱۴-۲۶۰]. با این توضیح، حضور زنان در قوه مقننه قبل از انقلاب را باید از دوره پهلوی دوم به بعد دنبال کرد.

زنان و مجلس شورای ملی

با پیروزی نهضت مشروطه، مجلس ملی اول، که مادر مشروطیت ایران بود، در ۱۷ مهر ۱۲۸۵ برگزار شد. انتخابات دوره اول مطابق نظامنامه انتخابات صنفی- طبقاتی بود. طبقات شش گانه شاهدگان قاجار، علما و طلاب، اعیان و اشراف، ملاکین فلاحین، و اصناف نمایندگان خود را برگزیدند [۱۱، ص ۸]. در این دوره، زنان، که فاقد حق رأی و انتخاب شدن بودند، تا بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی به عنوان بازیگران پشت پرده عرصه سیاست به نقش آفرینی می پرداختند.

بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۴۲ برگزار شد و در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۶ به پایان رسید. این دوره یکی از دوره های مهم مجلس شورای ملی است، زیرا زنان برای اولین بار در تاریخ ایران به مجلس شورای ملی راه یافتند. در این دوره، از بین ۱۹۸ راه یافته به مجلس، ۶ تن از بانوان ایرانی به ترتیب نزهت نفیسی از حوزه انتخابیه بافت، شوکت ملک جهانبانی، هاجر تربیت، و فرخرو پارسایی از تهران، نیره ابتهاج سمیعی از رشت، و مهرانگیز کرمانشاهی از کرمانشاه به مجلس راه یافتند [۲۶، ص ۴۶۳-۵۶۰].

در این دوره، خانم فرخرو پارسایی به عنوان منشی هیئت رئیسه اجلاسیه دوم انتخاب و در سال ۱۳۴۲ نیز به عنوان معاون وزارت آموزش و پرورش به مجلس معرفی شدند [۹، ص ۲۶۷-۲۸۱].

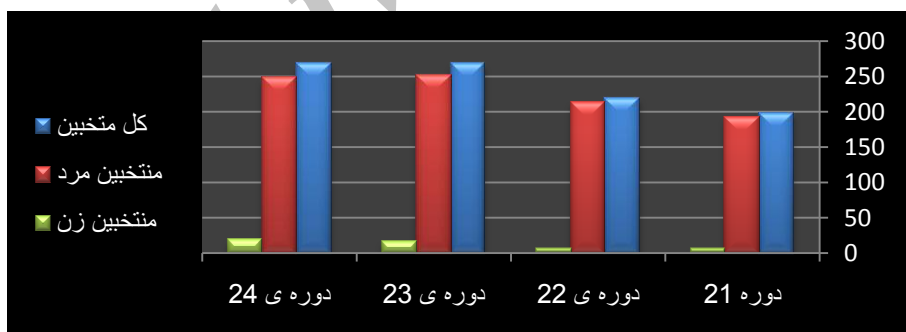
بیست و دومین دوره مجلس شورای ملی از ۱۴ مهر ۱۳۴۶ افتتاح شد و در ۹ شهریور ۱۳۵۰ به مناسبت برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله انحلال و در همان روز دوره بیست و سوم مجلس گشایش یافت. در این دوره، از بین ۲۱۹ نماینده، ۶ تن از بانوان ایرانی به ترتیب نیره سعیدی، شوکت ملک جهانبانی، هاجر تربیت از تهران، صدرالملوک بزرگنیا از خواف، نیره ابتهاج سمیعی از رشت، و مهرانگیز دولتشاهی از کرمانشاه به مجلس راه یافتند [۲۶، ص ۴۶۳-۵۶۰]. در این دوره، هاجر تربیت به عنوان نایب رئیس مجلس انتخاب شد. نیره ابتهاج سمیعی نیز در هیئت رئیسه اول، دوم، سوم، و چهارم به عنوان منشی انتخاب شد [۹، ص ۲۸۳-۲۹۷].

بیست و سومین دوره مجلس شورای ملی در ۹ شهریور ۱۳۵۰ افتتاح شد و در ۱۶ شهریور ۱۳۵۴ اختتام یافت. از بین ۲۶۸ نماینده، ۱۷ زن ایرانی به ترتیب فاطمه پیرنیا از حوزه اصفهان، مهرآفاق اصفزاده از آبادان، مهین دخت صنیع از بابل، عاطفه امیر ابراهیمی از بافت، شوکت ملک جهانبانی، پروش سرخوش، و ملکه طالقانی از تهران، صدرالملوک بزرگنیا از

خواف، طلعت اسدی از درگز، نیره ابتهاج سمیعی از رشت، مهروش صفی‌نیا از شمیرانات، مهین‌دخت مزارعی از فسا، ژاله ضرابی از کاشان، مهرانگیز دولتشاهی از کرمانشاه، مهین‌دخت گرگانی از گرگان، ایران‌دخت اقبال از گناباد، و هما زاهدی از همدان به مجلس شورای ملی راه یافتند [۲۶، ص ۴۶۳-۵۶۰]. آفاق آصف‌نیا به‌عنوان منشی هیئت‌رئیس‌ه انتخاب شد و صدی بزرگ‌نیا به‌عنوان منشی هیئت‌رئیس‌ه اجلاسیه اول، دوم، و سوم، مهروش صفی‌نیا در اجلاسیه سوم و در اجلاسیه چهارم مهین صنیع حضور داشتند [۹، ص ۲۹۷-۳۱۵].

بیست و چهارمین دوره مجلس شورای ملی در ۱۷ شهریور ۱۳۵۴ افتتاح و با شروع انقلاب به پایان رسید. از بین ۲۶۸ راه‌یافته، ۲۰ زن به ترتیب عصمت مشایی از اراک، لطیفه وحیدی از اردبیل، ملک‌تاج برومند از اصفهان، مهین‌دخت صنیع از بابل، پری اباصلتی، قدس‌ایران عدیلی، فاطمه نجمی نائینی، درخشنده کمالی آزاد، میدا داوودی، و اما آقایان از حوزه انتخابیه تهران، طلعت اسدی از درگز، پروین‌دخت سلیلی از درود، نیره ابتهاج سمیعی از رشت، فریده هاشمی از سراب، فرخ‌لقا بابان از سنندج، قدس‌منیر جهانبانی از شیراز، ژاله ضرابی از کاشان، مهین‌افشار جعفری از مشهد، متعالیه نائینی تبار از نائین، و هما زاهی از همدان در مجلس حضور داشتند [۲۶، ص ۴۶۳-۵۶۰]. در این دوره، ویدا داوودی به‌عنوان منشی هیئت‌رئیس‌ه مجلس و مهین‌دخت صنیع و پری اباصلتی در هیئت‌رئیس‌ه اجلاسیه اول، ویدا داوودی، مهین‌دخت صنیع به‌عنوان منشی هیئت‌رئیس‌ه اجلاسیه دوم انتخاب شدند [۹، ص ۳۱۷-۳۳۰].

حضور زنان در مجلس شورای ملی را می‌توان مطابق با مطالب یادشده در شکل ۱ نمایش داد.



شکل ۱. حضور زنان در مجلس شورای ملی

زنان و مجلس سنا

مجلس سنا^۱، براساس قانون اساسی مشروطیت ایران، یکی از دو مجلس قانونگذاری ایران به

۱. اصول متعددی از قانون و متمم قانون اساسی مشروطیت جایگاه مجلس سنا را توضیح می‌دهند. یازده اصل از

همراه مجلس شورای ملی بود. مجلس سنا از آغاز مشروطیت تا سال ۱۳۲۸ تشکیل نشد، اما از آن سال به بعد در هفت دوره منعقد شد [۳۱، ص ۱۰۵]. لایحه تشکیل مجلس سنا با اعتراض‌های زیادی از سوی برخی از نمایندگان مجلس شورا روبه‌رو شد، ولی در نهایت با تلاش عده‌ای از دولتمردان اساسنامه آن تدوین و به تصویب مجلس شورا و شاه رسید. تشکیل مجلس و اختیارات آن طبق اصول ۴۳-۵۰ متمم قانون اساسی پیش‌بینی شده بود. به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، تعداد نمایندگان مجلس سنا ۶۰ نفر بوده که ۳۰ نفر از طرف مردم (۱۵ نفر از تهران و ۱۵ نفر از شهرستان) و نیمه دیگر از سوی شاه (۱۵ نفر از تهران و ۱۵ نفر از شهرستان) انتخاب می‌شدند. گروه اول سناتورهای انتخابی و دسته دوم به سناتورهای انتصابی معروف بودند [۳۱، ص ۵۰-۵۲].

حضور زنان در مجلس سنا همانند مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۲ با اعطای حق رأی و وکالت به آن‌ها شکل گرفت، بنابراین زنان در سه دوره اول مجلس سنا حضوری ندارند و حضور آن‌ها را در این مجلس باید از دوره چهارم پیگیری کرد. این مجلس در سال ۱۳۴۲ تشکیل شد و در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید. از بین ۶۰ نفر، فقط ۲ بانوی ایرانی- به ترتیب مهرانگیز منوچهریان از تهران و شمس‌الملوک مصاحب از اصفهان- به‌عنوان سناتورهای انتصابی حضور دارند. در پنجمین مجلس سنا، که در ۱۴ مهرماه ۱۳۴۶ افتتاح و در ۹ شهریور ۱۳۵۰ به فرمان محمدرضا منحل شد، همان ترکیب قبلی حضور بانوان مشاهده می‌شود. در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۰، ششمین دوره مجلس سنا برگزار شد و در ۱۶ شهریور ۱۳۵۴ به پایان رسید. در این دوره، خانم شمس‌الملوک مصاحب به‌عنوان سناتور انتصابی و منشی هیئت‌رئیس سنی و خانم‌ها هاجر تربیت و زهرا نبیل به‌عنوان سناتورهای انتخابی حوزه تهران حضور داشتند. آخرین مجلس سنا در ۱۷ شهریور ۱۳۵۴ افتتاح شد و با پیروزی انقلاب اسلامی به پایان رسید. در این دوره، شمس‌الملوک مصاحب همچنان به‌عنوان سناتور انتصابی و منشی هیئت‌رئیس و شوکت‌الملوک جهانبانی به‌عنوان سناتور انتخابی از حوزه انتخابیه تهران انتخاب شدند [۹، ص ۳۳۱-۴۰۴]. اگرچه زنان ایرانی در مجلس سنا حضور داشتند، میزان حضور آن‌ها در جایگاه تصمیم‌گیری بسیار ضعیف بوده است؛ به‌طوری‌که در سه دوره اول مجلس سنا هیچ بانویی حضور ندارد و در مجلس چهارم از بین ۶۰ نماینده فقط ۲ نفر زن بودند که برابر با ۳/۳ دهم درصد است و در پنجمین دوره همچنان ۳/۳ درصد و در ششمین دوره ۵ درصد از

اصول پنجاه‌ویک‌گانه قانون اساسی و نوزده اصل از یکصد و هفت اصل متمم قانون اساسی به تشریح و توضیح اختیارات، حقوق، و وظایف مجلس سنا اختصاص پیدا کرده است. مطابق با اصول مطرح مجلس سنا یکی از دو مجلس قانونگذاری در ایران در کنار مجلس شورای ملی است که حق تحقیق و تفحص در هر امری را دارد، اما در مقایسه با مجلس شورای ملی، فقط در امور مربوط به دارایی و خزانه‌داری قادر به تصمیم‌گیری و مداخله نبود و متقابلاً از حق ویژه انحلال یک دوره مجلس شورای ملی برخوردار بود.

نمایندگان زن بودند. در دوره پایانی مجلس سنا، ۳/۳ درصد از زنان نمایندگان مجلس سنا بودند [۳۱، ص ۲۷۶].

حضور زنان در مجلس سنا را می‌توان مطابق با مطالب یادشده به‌طور خلاصه در شکل ۲ نمایش داد.



شکل ۲. حضور زنان در مجلس سنا

مطابق با شکل‌های ۱ و ۲، حضور زنان در قوه مقننه عصر پهلوی مرکب از مجلس شورای ملی و مجلس سنا از سال ۱۳۴۲ روند روبه‌فزونی می‌یابد. با وجود این، این حضور از آن همه بانوان ایرانی نبود و فقط متعلق به بخش اندکی از جامعه زنان بود؛ آنانی که به طبقه خاصی متعلق بودند و موافقان بی‌چون و چرای سیاست‌های رسمی و به‌عنوان نمایندگان انتصابی شناخته شده بودند. از این‌رو، نمی‌توان آن‌ها را سخنگوی آلام و نیازهای متنوع زنان دانست. در نتیجه، زنان راه‌یافته با زنان عامه بیگانه و از حمایت آن‌ها بی‌بهره بودند. از این‌رو گفته می‌شود انتخابات در سیستم حکومتی پهلوی دوم مبتنی بر رویه‌های دمکراتیک نبود و صرف حضور زنان را نمی‌توان مشارکت خواند.

با شدت گرفتن رویه‌های غیردمکراتیک و سیاست‌های ضددینی محمدرضا شاه، مخالفت‌های مردمی علیه این رژیم گسترش پیدا کرد. دعوت امام خمینی^(۶) از زنان برای حضور در عرصه سیاست و مبارزه با رژیم پهلوی آن‌ها را از عزلت‌خانه به میدان انقلاب و سیاست کشید و از این طریق بخش بزرگی از جامعه اسلامی در ارتباط با برپایی انقلاب اسلامی مشارکت کرد. یکی از محورهایی که همواره مورد تأکید حضرت امام^(۶) قرار گرفت، مشارکت سیاسی و دخالت دوشادوش زنان در کنار مردان در مسائل حکومتی بود [۱۷]. این حمایت مستقیم و آشکار امام از زنان جامعه ایرانی برای مبارزه با رژیم پهلوی منجر شد تا زنان همانند مردان به فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم پهلوی بپردازند و جنسیت خود را مانعی در این راه نبینند. از فعالیت‌های سیاسی مهم زنان مسلمان در این دوره و در برخورد با رژیم پهلوی می‌توان به چاپ و تکثیر اعلامیه‌ها و متن سخنرانی حضرت امام خمینی^(۶)، رونویسی از

کتاب‌های ممنوعه، تکثیر نوار سخنرانی و انتقال این اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها به سراسر کشور، شرکت در تظاهرات و متینگ‌ها و اعتصابات داخلی و خارج از کشور، و ایراد سخنرانی و آشناکردن عامه بانوان و زنان تحصیل کرده با جنایت‌های رژیم در مساجد و سایر پایگاه‌های مشخص حتی آموزش نظامی اشاره کرد [۱۶].

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی^(ره) و تصویب قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، زنان نه تنها از حق رأی و مشارکت سیاسی منع نشده‌اند، بلکه به فرموده رهبر کبیر انقلاب مشارکت برای آن‌ها به منزله یک حق بنیادین در نظر گرفته شد که باید زمینه‌ها و امکانات حضور را فراهم کرد [۶].

مشارکت سیاسی زنان در تحولات بعد از انقلاب اسلامی ایران

زنان و حضور آن‌ها در قوه مقننه در تحولات بعد از انقلاب اسلامی ایران

بر اساس اصل ۵۸ قانون اساسی^۱، امر قانونگذاری در جمهوری اسلامی فقط از طریق مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. با وجود این، نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که سه نهاد مستقل با مسئولیت‌ها و وظایف جداگانه‌ای در مجرای قانونگذاری پیش‌بینی شده است که بدون وجود آن‌ها اساساً قانونگذاری ممنوع و بی‌اعتبار است یا لاقط برخی موارد مجاز نخواهد بود. نهاد اول مجلس شورای اسلامی است که فقط مرجع و مرکز تصویب و تدوین قانون اساسی است و جز از طریق مجلس هیچ قانونی در ایران تصویب نخواهد شد. مطابق با اصل ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی نهاد دیگری به نام شورای نگهبان پیش‌بینی شده است که بدون تأیید آن مصوبات مجلس اعتبار قانونی نخواهند داشت. سومین نهاد، که در مجرای قانونگذاری وجود دارد و پس از بازنگری قانون اساسی در اصل ۱۱۲ لازم دانسته شده است، مجمع تشخیص مصلحت نظام است [۲۷، ص ۱۵۶-۱۵۷].

دوره اول مجلس شورای اسلامی را یکی از سرفصل‌های مهم تاریخ قانونگذاری به حساب آورده‌اند و بی‌شک این دوره جزء پرکاربردترین دوره‌های همه پارلمان‌های دنیاست. [۳۲، ص ۲۱]. در انتخابات اولین دوره مجلس، که در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ انجام شد، ۱۹۷ نفر موفق به کسب اکثریت مطلق آراء شدند و ۱۳۷ نفر دیگر در مرحله دوم در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ انتخابات به مجلس راه یافتند. پس از حوادث هفتم تیر و رخداد‌های مشابه، برای جایگزینی نمایندگان شهید و مستعفی و... چهار دوره انتخابات میان‌دوره‌ای برگزار شد. به این دلیل در تعداد نمایندگان تغییراتی شکل گرفت. یکی از ویژگی‌های مهم مجلس شورای اسلامی

۱. اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌شود.

در دوره اول میزان حضور زنان در کارنامه چهارساله این دوره مجلس است. در این دوره مجلس، تعداد زنان داوطلبان نمایندگی مجلس ۷۰ نفر بود [۳۳، ص ۱۳۶]. مطابق آمار ارائه شده از بین ۲۶۶ نماینده فقط ۴ نماینده زن در مجلس شورای اسلامی حضور داشتند [۳، ص ۱۸۳]. اعظم علایی طالقانی، مریم زعفرانی بهروزی، گوهرالشریعه دستغیب، و عاتقه صدیقی از حوزه انتخابیه استان تهران انتخاب شدند [۱۰، ص ۲۱۶-۲۷۵].

دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در دو مرحله برگزار شد که ۲۵۱ نفر نیز در این دو مرحله به مجلس راه یافتند [۱۰، ص ۱۵]. تعداد زنان داوطلب این دوره مجلس شورای اسلامی ۲۵ نفر بود [۳۳، ص ۱۳۶] که از میان آنها فقط ۴ نفر از زنان ایرانی توانستند در مجلس حضور داشته باشند [۳، ص ۱۶۴]. مرضیه حدیدچی دباغ، گوهرالشریعه دستغیب، مریم بهروزی زعفرانی، و عاتقه صدیقی زنان منتخب در این دوره مجلس شورای اسلامی بودند [۱۲، ص ۱۵۹-۱۹۵].

سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز در دو نوبت برگزار شد. در این دوره، ۲۷۷ نفر موفق شدند در مجلس حضور پیدا کنند [۳، ص ۱۷۳]. تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی در این دوره ۳۷ نفر بود که فقط ۴ زن توانستند به مجلس این دوره راه پیدا کنند [۳۳، ص ۱۳۶]. مرضیه حدیدچی دباغ، گوهرالشریعه دستغیب، مریم بهروزی زعفرانی، و عاتقه صدیقی منتخبان این دوره بودند [۱۲، ص ۲۶۶-۳۱۸].

چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در دو نوبت برگزار شد [۱۲، ص ۳۷۱]. در این دوره، ۲۶۸ نفر موفق شدند در مجلس حضور پیدا کنند [۳، ص ۱۷۳]. تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی در این دوره ۸۰ نفر بود و از این تعداد ۹ نفر توانستند به مجلس این دوره راه پیدا کنند. فخرتاج امیرقشقای و فاطمه همایون مقدم، اختر درخشنده، قدسیه سیدی علوی، مریم زعفرانی بهروزی، پروین سلیحی، نفیسه فیاض بخش، منیره نوبخت، و مرضیه وحید دستجردی منتخبان این دوره بودند [۱۲، ص ۳۷۸-۴۶۹].

پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در دو نوبت برگزار شد [۱۲، ص ۴۸۳]. در این دوره مجلس، ۲۷۰ نفر در مجلس حضور داشتند [۳، ص ۱۷۳]. تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی در این دوره ۳۵۱ نفر بود [۵]. از این تعداد، ۱۴ نفر توانستند به مجلس راه یابند. سهیلا جلوآرزاده، فاطمه رضانی زاده، نفیسه فیاض بخش، فاطمه کروی، منیره نوبخت، مرضیه وحید دستجردی، فائزه هاشمی، نیره اخوان بیطرف، زهرا پیشگاهی فرد، قدسیه سیدی علوی، مرضیه صدیقی، شهربانو امانی، مرضیه حدیدچی دباغ، و الهه راستگو منتخبان مردم در این دوره بودند [۷، ص ۱۷۳].

ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ۷ بهمن ۱۳۷۹ برگزار شد. در این دوره، ۲۹۰ نماینده در مجلس حضور یافتند. تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۵۰۴

نفر بود که از این تعداد ۱۳ نفر موفق به کسب رأی برای حضور در مجلس شدند [۵]. سهیلا جلودارزاده، فاطمه حقیقت‌جو، فاطمه راکعی، وحیده علایی طالقانی، جمیله کدیور، الهه کولایی، شهربانو امانی، سیده فاطمه خاتمی، طاهره رضازاده، حمیده عدالت، اکرم مصوری‌منش، اعظم نصری‌پور، و مهرانگیز مروتی در این دوره زنان منتخب مردم بودند [۳، ص ۱۸۵].

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در اول اسفند ۱۳۸۲ برگزار شد [۳، ص ۲۰۱]. براساس آمار ارائه‌شده، ۲۸۱ نماینده در این دوره پذیرفته شدند [۳، ص ۲۰۲]. تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۸۲۹ نفر است که از این تعداد ۱۳ نفر موفق به حضور در مجلس شدند. فاطمه آلیا، لاله افتخاری، الهام امین‌زاده، فاطمه رهبر، سهیلا جلودارزاده، نفیسه فیاض‌بخش، فاطمه آجرلو، نیره اخوان، رفعت بیات، هاجر تحریری نیک‌صفت، عشرت شایق، عفت شریعتی، و مهرانگیز مروتی منتخب مردم در این دوره بودند [۳، ص ۲۰۴].

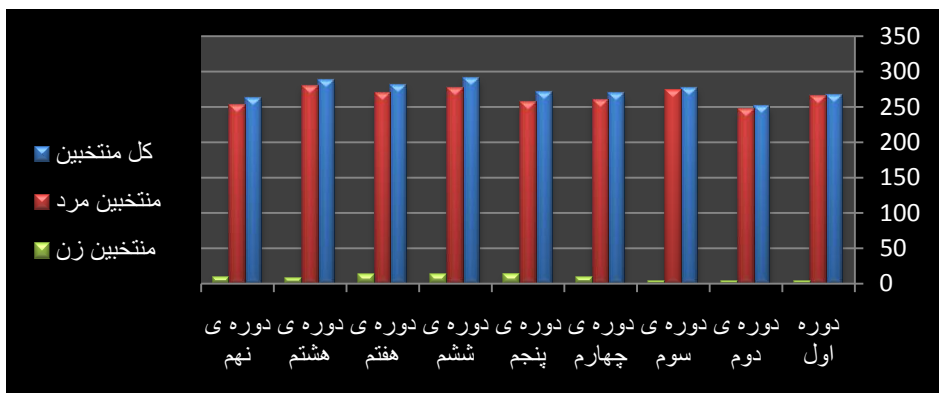
هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در دو مرحله برگزار شد. تعداد نمایندگان در این دوره مجلس ۲۸۸ نفر است. زنان داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۸۵۸ نفر بود که از این تعداد ۸ نفر موفق به حضور در مجلس شدند. فاطمه آجرلو، فاطمه آلیا، لاله افتخاری، فاطمه رهبر، طبیبه صفایی، نیره اخوان بیطرف، عفت شریعتی کوه‌بنانی، و زهره الهیان منتخبان مردم در این دوره بودند [۳۶].

نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در دو مرحله برگزار شد. افتتاح نهمین دوره مجلس شورای اسلامی با حضور ۲۶۲ نفر از منتخبان ملت در ۷ خرداد ۱۳۹۰ آغاز شد. تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی در این دوره ۳۹۰ نفر بود که از این تعداد فقط ۹ نفر توانستند به مجلس راه پیدا کنند [۳۶].

فاطمه رهبر، فاطمه الیا، لاله افتخاری، زهرا طبیب‌زاده، مهناز بهمنی، شهلا میرگلو بیات، نیره اخوان بیطرف، حلیمه عالی، و سکینه عمرانی منتخبان مردم در این دوره بودند.

مشارکت و حضور زنان در مجلس شورای اسلامی را می‌توان مطابق با مطالب ذکرشده به صورت جمع‌بندی در شکل ۳ نمایش داد.

مطابق با شکل ۳، میزان حضور زنان در قوه مقننه در سال‌های اولیه انقلاب، یعنی دوران تثبیت ۱۳۵۸-۱۳۶۸، حضور کم‌رنگی است. درگیری ایران در جنگ تحمیلی با عراق منجر شد تا مشارکت زنان، همانند سایر کشورهایی که در جنگ درگیر می‌شوند، افزایش پیدا کند. حضور و نقش زنان در سال‌های دفاع مقدس را می‌توان در نقش مستقیم و حضور در جبهه جنگ به‌خصوص در نواحی جنوب و کردستان و نقش غیرمستقیم و پشتیبانی از نیروها، راه‌اندازی ستادهای امداد و درمان، حضور در عرصه‌های فرهنگی و تبلیغ و تکریم شهدا، تشویق و ترغیب مردان برای حضور در جبهه و انتقال ارزش‌های انقلاب به‌منزله کارگزاری مهم در فرایند جامعه‌پذیری به نسل‌های آینده ارزیابی کرد [۱۷].



شکل ۳. میزان حضور زنان در قوه مقننه در جمهوری اسلامی

در دوران سازندگی، ۱۳۶۸-۱۳۷۶، زنان نقش پررنگ‌تری در کسب کرسی‌های مجلس داشتند. تخریب کشور بعد از جنگ به بسیج آحاد مردم برای سازندگی منجر شد. زنان نیز همانند سایر اقشار جامعه در این دوره با گرفتن مسئولیت‌هایی به بازسازی کشور پرداختند که در این زمینه می‌توان به نقش زنان در حوزه‌های بهداشت و درمان و مهم‌تر از آن در حوزه فرهنگ و ترویج مبانی اعتقادی اسلام، عفاف و حجاب، و سایر مباحث ارزشی اشاره کرد.

در دوران سوم توسعه سیاسی، که از ۱۳۷۶ آغاز شد و تا سال ۱۳۸۴ ادامه پیدا کرد، حضور زنان در کسب کرسی‌های مجلس شورای اسلامی افزایش بیشتری داشت؛ به‌طوری‌که در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی ۵۰۴ زن داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی بودند که ۱۴ تن از آن‌ها توانستند جز ۲۹۰ منتخب مردمی باشند. در هفتمین دوره مجلس، ۲۸۱ نماینده از طرف مردم انتخاب شدند که از این تعداد حضور ۱۳ زن دیده می‌شود. تعداد زنان داوطلب نمایندگی این دوره مجلس شورای اسلامی ۸۲۸ نفر است.

در دوران اخیر، یعنی دوره احیای ارزش‌های اسلامی و عدالت، ۱۳۸۴-۱۳۸۸، میزان مشارکت زنان در قوه مقننه کمرنگ شده است. با وجود این، مشارکت سیاسی زنان در عرصه‌های متفاوت روند صعودی را در پیش دارد. افزایش شمار دختران در جمع دانشگاهیان و محققان دانشگاهی، افزایش فعالان اقتصادی، استفاده از نیروی زنان در هیئت دولت نهم و دهم، و راهیابی زنان برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان وزیر را می‌توان از دستاوردهای مهم این دولت در زمینه مشارکت زنان ارزیابی کرد.

زنان و شورای نگهبان

به منظور پاسداری از احکام اسلامی و قانون اساسی، از نظر نداشتن مغایرت مصوبات مجلس

شورای اسلامی با آن‌ها، شورایی به نام شورای نگهبان تشکیل شد. اعضای فقیه شورای نگهبان از جانب رهبری انتخاب می‌شود و در تطبیق مصوبات با معیارهای اسلامی تخصص دارند. برای عضویت در شورای نگهبان فقیه باید دو شرط اساسی عدالت و احاطه بر مقتضیات زمان و مسائل را توأمان داشته باشند [۳۴، ص ۲۰]. اما درباره شرایط حقوقدانان عضو شورای نگهبان، اصل ۹۱ قانون اساسی شرایط مفصلی را مقرر نکرده است و فقط به شرط مسلمان بودن اکتفا شده است. با وجود این، حقوقدانانی که از جانب ریس قوه قضاییه پیشنهاد می‌شود عرفاً و حقوقدانانی هستند که به وضع جامعه و شرایط زمان و اوضاع و احوال روز و سیاست‌های جاری آگاه‌اند [۳۴، ص ۱۹-۲۹].

درباره میزان حضور زنان در شورای نگهبان باید گفت که اگرچه بسیاری از کارهای اجرایی برای زنان جایز است و زنی که به مقام فقاهاست برسد راه حضور او در مسائل مشورتی نظیر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی باز است و فقهایی از زنان نیز می‌توانند فتوا دهند و مورد مشورت واقع شوند [۱۸، ص ۲۹۶]. در طول فعالیت شورای نگهبان هیچ‌یک از بانوان ایرانی نتوانستند در این نهاد به ایفای نقش بپردازند.

زنان و مجمع تشخیص مصلحت نظام

اصرار فراوان مجلس شورای اسلامی به مقتضیات و تأکید فقهی شورای نگهبان بر مشروعیت قوانین مسائلی را در جامعه مطرح کرد که به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به دستور امام خمینی^(ه) در سال ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ منجر شد [۲، ص ۵۱-۵۲]. اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام را به‌طور کلی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. اعضای حقوقی: که متشکل از رؤسای سه قوه، فقهی‌های شورای نگهبان، دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر یا رئیس دستگاهی که موضوع بحث شده به دستگاهش مربوط است، رئیس کمیسیون متناسب با موضوع از مجلس شورای اسلامی [۲، ص ۹۸].

۲. اعضای حقیقی: که شامل صاحب‌نظران مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و... است [۲، ص ۹۶-۹۹]. حضور زنان در این نهاد مهم تصمیم‌گیری متأسفانه در حد اعضای حقوقی باقی مانده و زنان به‌عنوان اعضای حقیقی تا زمانی که این مقاله نگارش یافته است حضوری نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی از پیش‌شرط‌های ضروری رسیدن به توسعه و پیشرفت است. مشارکت سیاسی زنان در قوه مقننه در تحولات قبل از انقلاب را می‌توان در دو نهاد مجلس شورای ملی و مجلس

سنا ارزیابی کرد؛ که با اعطای حق رأی به زنان به سال ۱۳۴۳ دنبال می‌شود و تا قبل از این تاریخ گرچه زنان از سیاست کنار نهاده شده بودند، در فعالیت‌هایی که مربوط به منافع ملی کشور است به‌طور خودجوش به مشارکت می‌پرداختند. اعتراض زنان در کنار مردان به قرارداد رژی و حضور در بست‌نشینی‌ها و اعتراض‌های ۱۲۸۴-۱۲۸۵ در دفاع از مشروطه را می‌توان در صدر این مشارکت‌ها بررسی کرد.

با اعطای حق رأی به زنان در سال ۱۳۴۲ هرچند آن‌ها در قوه مقننه و فرایند قانونگذاری حضور داشته‌اند، وجه تشریفاتی این نوع از مشارکت تعلق داشتن آن به بخش خاصی از جامعه زنان و انتصابی بودن زنان راه‌یافته به مجلس بیشتر منجر می‌شود تا این زنان، بیگانه با نیازها و دغدغه‌های زنان افشار مختلف جامعه ارزیابی شوند. شدت گرفتن سیاست‌های غرب‌گرایانه و تضعیف ارزش‌های اسلامی از جانب محمدرضا پهلوی سرانجام به شکل‌گیری انقلاب ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی^(۶) منجر شد.

پیروزی انقلاب اسلامی سرآغاز دیگری در مشارکت سیاسی زنان رقم زد. مشارکت سیاسی زنان و حضور در عرصه قدرت برای آن‌ها نه تنها به‌منزله یک حق بنیادی، بلکه به‌منزله تکلیفی اسلامی در نظر گرفته شد. راهیابی زنان در قوه مقننه و حضور مستقیم و غیرمستقیم زنان در هشت سال جنگ با عراق جلوه‌های متعدد از پذیرش مشارکت زنان در نظام جمهوری اسلامی است. پایان یافتن جنگ و نیاز به حضور زنان در فرایند باسازی کشور، مشارکت سیاسی زنان را رونق بخشید؛ به‌طوری‌که میزان حضور زنان در مجلس پنجم در مقایسه با چهار دوره قبل افزایش یافت. میزان مشارکت سیاسی زنان در قوه مقننه در دولت اصلاحات به نسبت سایر دوره‌ها بیشتر بود. حضور زنان در ساختار قوه مقننه جمهوری اسلامی در دولت دهم و یازدهم، که متشکل از سه نهاد مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، و مجمع تشخیص مصلحت نظام است، با اندکی ضعف ادامه پیدا کرد. گرچه در این دوره مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی از دوره‌های قبل ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود، حضور زنان در سایر پست‌های کلیدی کشور مانند هیئت وزیران را می‌توان نمادی از افزایش مشارکت سیاسی زنان دانست.

با نگاهی به مطالب مطرح‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که:

۱. مشارکت شرط اساسی برای رسیدن به توسعه و پیشرفت همه‌جانبه است؛
۲. مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی با رویکردی موافق دنبال می‌شود؛
۳. به‌رغم همه تأکیدات رهبر کبیر انقلاب امام خمینی^(۶) مبنی بر تکلیف شرعی و دینی برای دخالت زنان در سرنوشت خود و شئون اجتماعی و واجب‌شمردن این فریضه از سوی ایشان و دعوت ویژه مقام معظم رهبری از زنان ایرانی برای مشارکت در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، زنان در ساختار قوه مقننه در جایگاه مناسب خود قرار ندارد.

منابع

- [۱] آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، چ ۴، تهران: نی.
- [۲] احمدی، علی (۱۳۸۲). *مجمع تشخیص مصلحت نظام، بررسی سیاسی حقوقی جایگاه ساختار و کارگزار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.*
- [۳] ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، چ ۲، تهران: قومس.
- [۴] ازغندی علیرضا (۱۳۸۷). *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)*، چ ۵، تهران: سمت.
- [۵] ارشدی، مریم (۱۳۷۱). «*زن و شش دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی*»، *پیام زن*، س ۱۴، ش ۱۵۷، ص ۸۸-۸۷.
- [۶] امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). *صحیفه نور*، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی ج ۱.
- [۷] امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). *صحیفه نور*، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ج ۱۸.
- [۸] بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷). *زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید*، تهران: ابن سینا.
- [۹] ب، ن (۱۳۵۶). «*اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنیه*»، تهران: وزارت کشور.
- [۱۰] ب، ن (۱۳۶۵). «*کارنامه مجلس شورای اسلامی دوره دوم سال سوم*»، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- [۱۱] ب، ن (بی‌تا). «*مختصر تاریخ مجلس ملی ایران*»، انتشارات اداره روزنامه کاوه، ش ۵ چاپخانه کاویانی.
- [۱۲] ب، ن (۱۳۷۸). *معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تا پایان دوره پنجم قانونگذاری*، چ ۱.
- [۱۳] بهفر، مهری (۱۳۸۷). «*گذری بر نخستین نشریه زنان*»، *نشریه حقوق زنان*، ش ۹، ص ۴۶-۵۹.
- [۱۴] پای، لوسین (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- [۱۵] تاج‌زاده، سید مصطفی (۱۳۸۱). *در دفاع از انتخابات آزاد و عادلانه*، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- [۱۶] جلالوند، فاطمه (۱۳۸۸). *آن روزهای نامهربان*، چ ۲، تهران: موزه عبرت ایران.
- [۱۷] جمشیدی، غلامرضا؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). «*تجربه زنانه از جنگ*»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۵، ش ۲، ص ۸۱-۱۰۸.

- [۱۸] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). زن در آینه جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگی رجا.
- [۱۹] خلیلی، محسن (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۶۵-۱۸۶.
- [۲۰] خاکسار، علی (۱۳۸۰). مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان، تهران: دانشگاه علامه.
- [۲۱] دلریش، بشری (۱۳۷۵). زن در دوره قاجار، تهران سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۲۲] راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- [۲۳] رنجبر عمرانی، حمیرا (۱۳۸۵). سازمان زنان ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- [۲۴] رهبر، عباس علی (۱۳۸۰). تأثیر عوامل ملی و مذهبی در افزایش مشارکت سیاسی جوانان دانشجویی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- [۲۵] شجیعی، زهرا (۱۳۴۴). نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری مطالعه از منظر جامعه‌شناسی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- [۲۶] شجیعی، زهرا (۱۳۷۲). نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، نمایندگان مجلس شورای ملی، ج ۴، تهران: سخن.
- [۲۷] شعبانی، قاسم (۱۳۷۴). حقوق اسلامی و ساختار جمهوری اسلامی ایران، تهران: اطلاعات.
- [۲۸] ظهیری‌نژاد ارشادی، مینا (۱۳۸۹). «ماجرای کشف حجاب»، سیاست خارجی، س ۹، ش ۲.
- [۲۹] علیزاده، جواد (۱۳۸۲). تحلیلی بر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به ضمیمه بررسی لایحه جدید قانون انتخابات، تهران: فرس، چاپ دیا.
- [۳۰] فوران، جان (۱۳۹۲). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، چ ۱۳، تهران: رسا.
- [۳۱] کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۹۰). «تاریخچه مجلس سنا» (۱۳۲۴-۱۳۳۰)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- [۳۲] مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۰). نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- [۳۳] مصفا، نسرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- [۳۴] مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۶). نظریات شورا درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی و قانون اساسی، تهران: سروش.
- [۳۵] ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲). موانع مشارکت سیاسی زنان در فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی پس از انقلاب، تهران: کویر.

[۳۶] شریف، لیلا. یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱، جدول تعداد نمایندگان زن در ۹ دوره مجلس؛ سهم زنان در خانه ملت، همشهری آنلاین. کد مطلب ۱۶۹۳۲۹
<http://hamshahrionline.ir/details/169329>

Archive of SID